

اصول



سیده سهله تقوی

علاوه سوگند اگر برای مؤمنان باشد که آن‌ها بدون سوگند تسلیم‌اند، و اگر برای منکران باشد که آن‌ها اعتقادی به سوگندنامه‌های الهی ندارند. ولی توجه به دو نکته لازم و ضروری است.

نخست این که: همیشه به امور پرارزش و مهم سوگند یاد می‌کنند؛ بنابراین سوگندهای قرآن دلیل بر اهمیت اموری است که به آن‌ها سوگند یاد شده، و همین امر سبب اندیشه هر چه بیش‌تر «مقسم به» یعنی چیزی که سوگند به آن یاد شده می‌گردد، اندیشه‌ای که انسان را با حقایق تازه آشنا می‌سازد.

دیگر این که: سوگند همیشه برای تأکید است، و دلیل بر این که اموری که برای آن سوگند یاد شده، از امور کاملاً جدی و مؤکد است.^۱

لغت و زبانی رایج است، و اهل سخن برای باورآیندن مدعای خود به طرف، به هر وسیله‌ای که مطلب و مرامشان را در انظار تسجیل و تثبیت کند متمسک می‌شوند، اما هیچ‌عاملی برای تحکیم ادعایی که صاحبش حوصله و مجال مستدل‌نمودن آن را ندارد مؤثرتر و گیراتر از سوگند یاد کردن به عزیزان نیست، مشروط بر این که آن چیز سوگند یاد شده، برای هر دو طرف مقدس و بزرگ باشد.^۳

سوگندهای قرآنی

سوگندهای پر معنا فکر آدمی را به سوی خود می‌کشاند و آمادگی را برای پذیرش حقایق افزایش می‌دهد، چنانکه خداوند هم در قرآن کریم سوگند یاد می‌کند. «درست است که خداوند از همه راستگویان راستگوتر است، و نیازی به سوگند ندارد، به

سوگند یاد نمودن هیچ‌گاه به یک ضایفه، قبیله و یا ملتی ویژه اختصاص نداشته؛ بلکه در همه جوامع انسانی به صورت سنتی فراموش نشدنی وجود داشته است. ملت‌ها از ابتدا تاکنون - از قبایل بدوی گرفته تا جوامع مرفعی - بر اساس باور خویش اشیاء و موجوداتی را مقدس می‌شمرده و در مقام اثبات مدعای خود به آن سوگند یاد می‌کرده‌اند، تا از این راه حقانیتشان ثابت شود.^۱ چنان‌که در میان حرفه‌های گوناگون نیز سوگندنامه‌هایی تنظیم می‌شد و از جمله آن‌ها «سوگندنامه بقراط»^۲ است که متون اولیه قوانین نظام پزشکی را تشکیل می‌دهد و تعهدی اخلاقی برای به کار بستن اصول این حرفه به شمار می‌رود. بنابراین «سوگند خوردن و قسم یاد کردن شیوه‌ای است که در همه جوامع و در هر



►► آن که بر مسند قدرت می‌نشیند، باید بداند که او خادم است نه حاکم. پس رئیس‌جمهور سوگند یادمی‌کند که مدیریت اجرایی کشور را برای خدمت به مردم برعهده می‌گیرد و متعهد می‌شود که حکومت را وسیله‌ای برای خدمت به مردم بداند، نه این که خدمت وسیله حاکمیت وی باشد.

نظام اسلامی و قانون اساسی که ميثاق ملی و منشور اصلی این نظام است، به کار گیرد. خدمت به مردم

در بینش اسلام و حاکمیت اسلامی، صاحبان قدرت و مدیران مسؤولیتی سنگین را عهده‌دار می‌شوند که پذیرش این مهم باید خدمت‌رسانی گسترده‌ای را به همراه داشته باشد. به عبارتی آن که بر مسند قدرت می‌نشیند، باید بداند که او خادم است نه حاکم. پس رئیس‌جمهور سوگند یادمی‌کند که مدیریت اجرایی کشور را برای خدمت به مردم برعهده می‌گیرد و متعهد می‌شود که حکومت را وسیله‌ای برای خدمت به مردم بداند، نه این که خدمت وسیله حاکمیت وی باشد. «قبل از این که ریاست‌مدار باشد، خدمت‌گزار است، و در این منصب با تیغ تیز مدیریت در جهت خدمت‌گزاری و اقامه حق و عدل و دفع ظلم گام بردارد.»^{۱۱} و «کوشش بر اصلاح امور مردم را از کمال سعادت بداند.»^{۱۲}

اعتلای کشور

از نظر نمادین، انقلاب ایران نخستین پیروزی مسلمین بر غرب از قرن ۱۶ به بعد

قرائت و امضا می‌شود حضور خواهند داشت.»^۶

متن سوگندنامه

«بسم‌الله الرحمن الرحیم. «من به عنوان رئیس‌جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یادمی‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه‌ایفای مسؤولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت‌شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و بااستعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امانی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم.»^۷

موارد تعهد

الف پاسداری از مذهب رسمی، نظام اسلامی و قانون اساسی
در نظام سیاسی مبتنی بر حضور مذهب در همه شؤون، قانون‌گذاری باید در چارچوب اصول و موازین مذهبی باشد و شعائر مذهبی نیز رعایت شود. در این نظام، دین و مذهب، پایه و علت وجودی تشکیل حکومت است که آن را اصطلاحاً حکومت الهی می‌گویند.^۸
در ایران، دین اسلام و مذهب شیعه که یکی از پایه‌های اساسی وحدت ملی به شمار می‌رود، رابطه‌ای تنگاتنگ با دولت دارد و لگژی کامل برای همه تشکیلات و قوای عالییه و اداره امور کشور از صدر تا ذیل ارائه می‌کند.

بنابر این، جمهوری اسلامی ایران نظامی است که بر پایه ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و براساس وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین شکل گرفته است^۹ و دولت جمهوری اسلامی ایران که در رأس آن رئیس‌جمهور قرار دارد، باید همه امکانات خود را برای پاسداری از مذهب رسمی،

سوگند به خداوند در پیشگاه قرآن

از آن جایی که خداوند در اندیشه انسان مسلمان، بزرگ‌ترین و عزیزترین موجودات و قرآن شریف‌ترین و مقدس‌ترین کتاب است، قسم خوردن به خداوند در پیشگاه قرآن، افزون بر این که تعهد و مسؤولیت سنگینی را بر دوش فرد می‌گذارد، نشانه ارزش والای موضوعاتی است که به آن‌ها سوگند یاد کرده است و تکلیفی شرعی و اخلاقی را متوجه وی می‌کند.

انواع قسم

قسم سه گونه است:

الف اخباری، که گذشته یا آینده قطعی را خبر می‌دهد و چون ماهیت خبری دارد تکلیف‌آور نیست؛ البته اگر دروغ باشد گناه است.

ب تأکیدی که می‌خواهد کاری حتماً انجام گیرد؛ این درخواست تکلیف‌آور نیست.

ج در برابر قرآن کریم، با یاد و نام خدا که رکن قسم است سوگند یاد می‌شود. این گونه قسم در شمار عهد و نذر می‌باشد؛ از این روتخلف از آن گناه و قابل مؤاخذه است و پرداخت کفاره را واجب می‌کند.

پیدا است که سوگند رئیس‌جمهور از نوع سوم و در زمره عهد و نذر به شمار می‌آید که تخلف از آن گناه و قابل مؤاخذه است و کفاره‌دارد و حضور عالی‌ترین مقام قضایی و شنیدن این مطالب در موارد تخلف و محاکمه و حکم دیوان عالی به عدم کفایت براساس اصول هشتاد و نهم و بند ده یکصد و دهم نقش خواهد داشت.^۹

سوگند رئیس‌جمهور

رئیس‌جمهور به دنبال برگزیده شدن از سوی مردم، براساس اصل ۱۲۱ قانون اساسی در مراسم تحلیفی که در مجلس شورای اسلامی با حضور رئیس قوه قضاییه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود، سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضا می‌کند.

«محتوای اصل روشن است که مراسمی را برای تحلیف رئیس‌جمهور تعیین کرده که باید این سوگند در حضور ملت که به وی رأی داده‌اند یاد شود و مجلس شورای اسلامی که نمایندگان همه کشور در آن حضور دارند مناسب‌ترین جا است و می‌توان گفت در حضور ملت است. عالی‌ترین مقام قضایی و اعضای شورای نگهبان در حقیقت به عنوان شهود در این مراسم که سوگندنامه توسط رئیس‌جمهور

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ»
 «من به عنوان رئیس‌جمهور در
 پیشگاه قرآن کریم و در برابر
 ملت ایران به‌خداوند قادر متعال
 سوگند یاد می‌کنم که پاسدار
 مذهب رسمی و نظام جمهوری
 اسلامی و قانون اساسی کشور
 باشم و همه استعداد و
 صلاحیت خویش را در راه ایفای
 مسؤولیت‌هایی که بر عهده
 گرفته‌ام به‌کار گیرم و خود را
 وقف خدمت به مردم و اعتلای
 کشور، ترویج دین و اخلاق،
 پشتیبانی از حق و گسترش
 عدالت سازم و از هر گونه
 خودکامگی بپرهیزم و از آزادی
 و حرمت اشخاص و حقوقی
 که قانون اساسی برای ملت
 شناخته است حمایت کنم.»

شمرده می‌شود، نکته مهم این جا است که
 اسلام‌هدایت‌کننده این انقلاب بوده است و
 هیچ یک از ایسم‌های غربی - ناسیونالیسم،
 کاپیتالیسم، کمونیسم و سوسیالیسم - در آن
 نقشی نداشته‌اند؛^{۱۲} از این رو رئیس‌جمهور
 باید با همه توان برای عزت و سربلندی
 این نظام بکوشد و سرافرازی هرچه بیش‌تر
 اسلام در سراسر جهان را موجب شود.

ترویج دین و اخلاق

بر اساس بررسی‌های تاریخی، یکی از
 مهم‌ترین عوامل توفیق و یا ناکامی جوامع
 بشری عامل اخلاقی بوده است. ترویج
 اخلاق پسندیده، موجب تحکیم روابط
 اجتماعی می‌شود و ملتی که در چارچوب
 محاسن اخلاقی گام بردارد، قله‌های
 رستگاری و پیروزی را فتح خواهد کرد.
 رئیس‌جمهور باید همه همت و تلاش خود
 را در جهت ترویج دین و اخلاق - به عنوان
 عنصر حیات و مایه سعادت جامعه - به کار
 بندد.

پشتیبانی از حق و گسترش عدالت

حق‌مداری و عدالت‌محوری افزون بر
 این که وظیفه‌ای بر دوش حاکمان اسلامی
 است، عامل مؤثری جهت نفوذ و اثربخشی
 در دیگران و استحکام حکومت به شمار
 می‌آید، چنان که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید:
 «کسی که عادل باشد، حکمش نافذ است»
 و عمل به عدالت موجب پایداری حکومت
 می‌شود.

رئیس‌جمهور متعهد می‌شود در زمان
 تصدی قدرت، به کسی ستم روا ندارد و
 شاهد شیرین عدالت را به ملت بچشاند و با
 این عمل موجبات استحکام و نفوذ هر چه
 بیش‌تر نظام اسلامی را فراهم آورد.

پرهیز از خودکامگی

خودکامگی به معنای استبداد و
 انحصارطلبی است و در نقطه مقابل
 «عدالت» قرار دارد. مبارزه با ستم و استبداد،
 بخش اصلی ایدئولوژی اسلامی را تشکیل
 می‌دهد و انقلاب اسلامی ایران در درجه
 نخست زاینده سلسله مبارزه‌های مردمی
 علیه نابرابری و فقر اخلاقی و آثار ناگوار
 ناشی از آن یعنی ستم و استبداد است؛
 از این رو نفی آن در دستور کلی نظام
 جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. در همین
 راستا اصل دوم قانون اساسی بنا را بر «نفی
 هرگونه ستمگری و ستمکشی و سلطه‌گری
 و سلطه‌پذیری» قرار داده تا بدین وسیله،
 مقدمات دستیابی به جامعه نمونه اسلامی
 را که تأمین‌کننده قسط و عدل، استقلال و

همبستگی ملی خواهد بود، فراهم کند.^{۱۴}
 بدیهی است که پرهیز از خودکامگی، یکی
 از مهم‌ترین تعهدات رئیس‌جمهور شمرده
 می‌شود.

پشتیبانی از آزادی

انسان موجودی است عاقل و متفکر، و
 عملکردش بر اندیشه و تعقل استوار است؛
 پس ضرورت حیات اجتماعی، لزوم تعامل
 فکر رادر حیات جمعی مطرح می‌کند و
 از سویی، شکل‌گیری حیات جمعی و
 ضرورت سلامت و بقای آن در زمینه نسیان
 و غفلت و خط‌پذیری اندیشه و عملکرد
 انسان، ضرورت وجود ابزار نظارت و
 شبهات و نقدها را مطرح می‌کند.

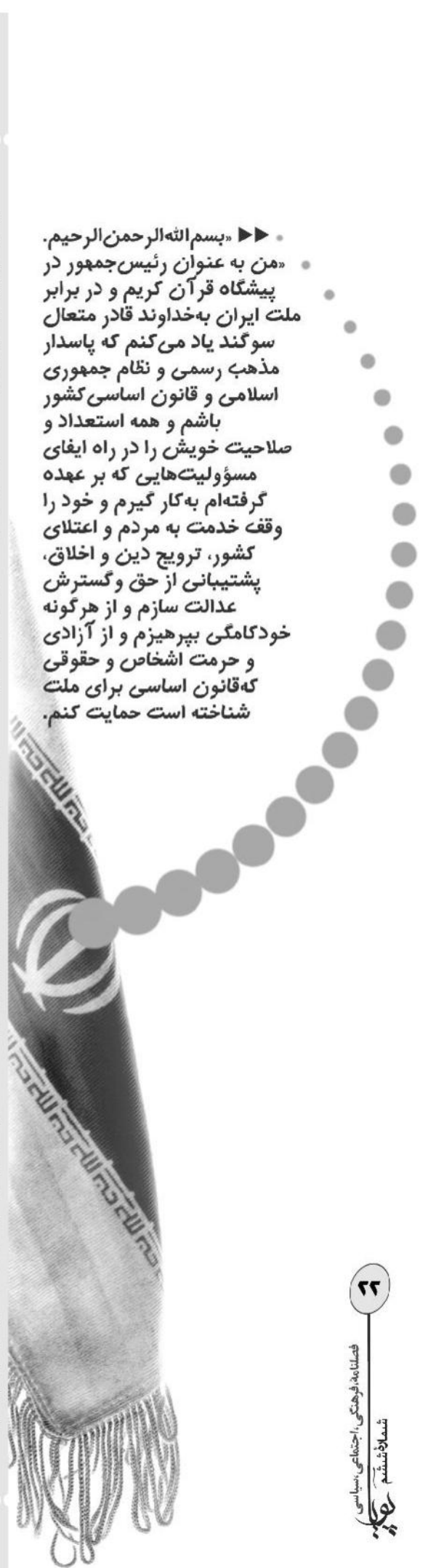
نبود فضای تعامل فکری و ابزار نظارت
 و شبهات موجب شکل‌گیری عقده‌های
 روانی و سپس دودستگی و تعارض‌های
 اجتماعی می‌شود که سرانجام، نظام را ساقط
 خواهد کرد. ۱۵ اثر دیگر نبود آزادی، توقف
 رشد و خلاقیت انسان‌ها، و ضایع شدن
 استعدادها خواهد بود. البته حدود این آزادی
 را باید عقل، شرع و قانون مشخص کند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
 که در اصول متعدد، جایگاه ویژه‌ای در
 زمینه آزادی‌های فردی و حقوق اجتماعی و
 سیاسی برای مردم قائل شده، در اصل نهم،
 آزادی را یکی از محورهای اصلی نظام
 سیاسی کشور قرار داده که به صورت‌های
 گوناگونی متظاهر می‌شود.^{۱۶} در اصول ۱۹ تا
 ۴۲ قانون اساسی، ضمن بیان حقوق ملت در
 جلوه‌های گوناگون، بر آزادی افراد تا جایی
 که به حقوق و آزادی دیگران و ارزش‌های
 جامعه ضرری نرساند، تأکید شده است.

پاسداری از حرمت اشخاص

پاسداری از حرمت انسان‌ها، و
 برخورد با خدشه‌دارکنندگان این حریم،
 رسالت اسلام و نظام اسلامی است. هتک
 حرمت‌ها، امنیت‌روانی جامعه را زایل کرده،
 بی‌اعتمادی را دامن زده، نفاق و دورویی
 و تفرقه و گروه‌گرایی و تعارضات و
 نزاحمت‌ها را سبب شده، در نهایت از هم
 پاشیده شدن شیرازه نظام و سقوط ارزش‌ها
 و نظام اسلامی را در پی خواهد داشت.^{۱۷}

در سوره مطففین، شکستن حرمت و
 ارزش انسان‌ها، عاملی اساسی در جهت
 تحقق ستم اقتصادی معرفی شده است:
 «وَلِیْلٍ لِّلْمُطَفِّفِیْنَ الَّذِیْنَ اِذَا كَتَبُوا عَلَی النَّاسِ
 یَسْتَوْفُونَ وَاِذَا كَالُوهُمْ اَوْ وُزَنُوهُمْ یَخْسَرُونَ»
 وای بر کم ارزش‌گران! آنان که هرگاه به
 ضرر مردم کیل می‌پذیرند، پیمانۀ پسر بر



می‌دارند، و هرگاه مردم را به طور کلی یا جزئی ارزشگرایی می‌کنند، خسارت به بار می‌آورند.»

حقوق ملت

مجری قانون باید در راه حفظ، دوام، استحکام و گسترش حق زندگی و رشد همه‌جانبه فضایل انسانی و استقرار مساوات و آزادی و جلوگیری از تبلیغات گوناگون، به عنوان اساسی‌ترین حقوق ملت بکوشد.

بأسداری از مرزها و استقلال کشور

در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یک دیگر جدایی‌ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد، گروه و یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع راه‌ر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.^{۱۸}

یاری جستن از خداوند و پیروی از پیامبر

و انمه اطهار

رئیس‌جمهور با توجه به وظایف بسیار سنگین و طاقت‌فرسایی که بر دوش گرفته است، پیمان می‌بندد که با تکیه بر نیروی لایزال الهی و توکل بر قادر متعال و پرهیز از غرور، و توجه نکردن به قدرت‌های بیگانه این مسیر دشوار را بیماید. و در این جهت از برترین الگوهای انسانی تاریخ بشریت یعنی پیامبر اسلام و پیشوایان معصوم مدد گیرد تا به سر منزل مقصود رهنمون شود.

مدیریت، امانت است

مسئد مدیریت از دیدگاه اسلامی امانتی است که به مدیر سپرده می‌شود و او باید از این مقام که به صورت امانت در دست دارد، به‌شدت مراقبت کند و امانت را طبق معیارهای امانت‌دار باشد. مدیریت از دیدگاه اسلامی امانت است و مدیر امانت‌دار خدا و مردم.^{۱۹}

مولای متقیان علی‌ع‌به یکی از فرمانداران خود می‌نویسد: «مدیریت و حکمرانی برای تو طعمه نیست و لسی آن مسؤولیت در گردن تو امانت است و کسی که از تو بالاتر است از تو خواسته که نگیان آن باشی و وظیفه نداری که در کار مردم به میل و خواسته شخصی خود عمل کنی و یا بدون ملاک معتبر و فرمان قانونی، به کار بزرگی دست بزنی. اموالی که در دست تو است از آن خداوندی باشد و تو خزانه‌داری

هستی تا آن را به من بسپاری»^{۲۰}

بر همین اساس رئیس‌جمهور ملزم می‌شود تا این قدرت و مسؤولیت را امانتی از سوی ملت بداند و چون امانت داری امین و پارساآن را به برگزیده پس از خود بسپارد.

در پایان امید است با تلاش و پیگیری مجدانه مدیران عالی‌رتبه درباره آنچه متعهد شده‌اند، زمینه توسعه و آبادانی هر چه بیش‌تر کشور فراهم شود و این نظام برای دیگر ملل جهان به ویژه ملت‌های مسلمان، الگویی مثال‌زدنی شود؛ همان‌گونه که بنیان‌گذار عالی‌قدر این انقلاب فرمودند: «خداوند بر ما منت بگذارد و انقلاب اسلامی ما را مقدمه فرو ریختن کاخ‌های ستم جباران و افول ستاره عمر متجاوزان در سراسر جهان بگرداند»^{۲۱} و «این انقلاب زمینه برای ظهور حضرت بقیة‌الله ارواحنا فداه گردد»^{۲۲}

پی‌نوشت‌ها

۱. ابوالقاسم رزاقی، سوگندهای قرآنی، ص ۹.
۲. ر. ک: ابوالحسن فیض، آیین پزشکان، ص ۲۳، سوگندنامه بقراط.
۳. فرهنگ عقاید و قوانین اسلامی، ج ۱، ص ۲۲۷، همچنین ر. ک: سوگندهای قرآنی، ص ۱۲.
۴. تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۱۷.
۵. محمد بزدی، قانون اساسی برای همه، ص ۵۹۴.
۶. همان، ص ۵۹۳.
۷. قانون اساسی، اصل ۱۲۱.
۸. سیدمحمد هاشمی، حقوق اساسی، ص ۱۳۷.
۹. اشاره به اصل دوازدهم قانون اساسی که مقرر می‌دارد دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصلی‌الابد غیر قابل تغییر است.
۱۰. برداشتی از اصل دوم قانون اساسی.
۱۱. ر. ک: سیدرضا تقوی، نگرشی بر مدیریت اسلامی، ص ۴۱.
۱۲. قتال علی علیه‌السلام: من کمال السعاده نسعی فی صلاح اصلاح الجمهور، غررالحکم، ج ۲، ص ۲۵۴.
۱۳. گزیده و تلخیص از عصر امام خمینی، ص ۴۰.
۱۴. حقوق اساسی، ص ۹۶.
۱۵. ونسی الله نفی پورفر، الگوهای مدیریت اسلامی، ص ۱۳۶.
۱۶. حقوق اساسی، ص ۱۷۲.
۱۷. اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن، ص ۱۳۶.
۱۸. اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۹. نگرشی بر مدیریت اسلامی، ص ۳۷.
۲۰. نهج البلاغه، نامه ۵.
۲۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۸.
۲۲. همان، ج ۱۶، ص ۸۸.

رئیس‌جمهور متعهد می‌شود

در زمان تصدی قدرت، به کسی ستم روا ندارد و شهد شیرین عدالت را به ملت بچشاند و با این عمل موجبات استحکام و نفوذ هر چه بیش‌تر نظام اسلامی را فراهم آورد.

رئیس‌جمهور با توجه

به وظایف بسیار سنگین و طاقت‌فرسایی که بر دوش گرفته است، پیمان می‌بندد که با تکیه بر نیروی لایزال الهی و توکل بر قادر متعال و پرهیز از غرور، و توجه نکردن به قدرت‌های بیگانه این مسیر دشوار را بیماید. و در این جهت از برترین الگوهای انسانی تاریخ بشریت یعنی پیامبر اسلام و پیشوایان معصوم مدد گیرد تا به سر منزل مقصود رهنمون شود.